

باختر امروز

مؤسس : شادوان دکتر حسین فاطمی
نشریه سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
(بخش خاورمیانه)

...
- ولی سامی کشته شد... شهید شد.
- سامی دیگری... مبارز ایرانی هرگز کشته نخواهد شد... فهمیدی؟
..... از سامی همانگونه که زنده در مناطق آزاد شده در عمان شناختنش
سخن میگفتم ، مبارز ، فروتن ، شجاع ، متکی بخود و سلاحش ، بیش از
اندازه ساکت ،
آخرین سخنان سامی در حالیکه روسری فلسطینی را بر دوش داشت و
عازم ماموریتش بود ، چنین بود :
« برای یک شهید ایرانی چه فرقی دارد که برای دفاع از انقلاب در
تهران شهادت برسد یا در ظفار ، یا در مبارزه اش در صف انقلاب فلسطین ... »
و برآستی چنین است ، سامی
آزادی تجزیه پذیر نیست ...

نقل از فلسطین الثورة ارگان رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین

شکست‌های فاحش ارتش ایران در عمان

آغاز فصل تشدید جنگ آغاز شکست‌های بی‌دری ارتش تجاوزگر ایران در عمان است

در این هفته یازدهمین آسمان‌نورد نیروهای تجاوزگر دشمن توسط نیروهای انقلابی عمان سرنگون شد . انقلابیون عمان در عرض ۴۵ روز موفق شده‌اند هواپیمای و هلیکوپتر ایرانی و انگلیسی را سرنگون کند و فصل جدیدی را در تشدید مبارزات خلق علیه نیروهای دشمن بگشاید .

مالها بود که نیروی مزدوران انگلیسی و سپس ایرانی و اردنی با استفاده از قلت امکانات نیرو های انقلابی در مبارزه با نیروی هوائی دشمن ، آسمان عمان را صحنه جولان لاقیدانه خود کرده بودند و بی‌محابا هر نقطه‌ای را که آثاری از حیات داشت بزیر آتش بیب‌های خود میگرفتند . آنها ، آسمان عمان را مایه‌ک خود مینداشتند و میکوشیدند شکست‌های مصیبت‌بار و عقب‌نشینی‌های مفتضحانه خود را در زمین با سیادت خود در آسمان جبران کنند . ولی این چیزی جز پنداری خام و زودگذر نبود . انقلابیون عمان بدرستی میدانستند که باید برای پیروزی نهائی بر دشمن این نقطه ضعف خود را نیز از میان ببرند و از اینرو در صدر برنامه‌ریزی و خلق ابتکارهایی برای مقابله با دشمن برآمدند و بالاخره عمر سیادت هوائی دشمن را کوتاه کردند .

سرنگونی‌های اخیر بی‌دری هواپیماهای دشمن چنان وحشتی را در صفوف آنان ایجاد کرده است که مشاهده آن بی‌اختیار بیاد همگان می‌آورد که ارتجاع چیزی بجز غول پای گلین نیست . باید او را شناخت و به نقطه حساس ضربه زد . غول بودن ، طلسم قدرقدرتی کاذبی است که باید و میتواند شکسته شود . آنچه لازم است هوشاری و جسارت است ، شناخت و اراده عمل است . زمانی بود که هلی‌کوپترها و هواپیماهای ایرانی چنان گستاخانه در ارتفاعات کم پرواز میکردند که شاخه های درختان از باد آنها تکان میخورد . امروز آنها بادبای گریز یابند . چنان ارتفاع میگردند که مردم به سختی آنها را می‌بینند و از آن سخت‌تر خلبانان آنها مردم را . قدرت نشانه‌گیری را از دست داده‌اند و جرأت پرواز در فوق مراکز تجمع هارا . گاهگاه درحسب مضیقه بی‌های خود را روی سنگها در کوه و ییابان خالی میکنند و شتابان فرار را بر قرار ترجیح میدهند . انقلابیون که بدیهی است ، مردم بومی*م با چشمهای خود دیدند که پای این غول گلین است .

ولی از اینها همه گویاتر وضع ستوان‌اشرفیان یکی از اسرای ایرانی است . او بمثابة یک نمونه از خلبانان ایرانی در عمان بیانگر بی اعتقادی و ناآگاهی است . وی چنانچه پس از اسارت در مقابل اجتهای از خلق بیان داشت نمونه کامل انسانی است که بعد یک ابزار تقلیل یافته است . ایزاری که مانند پیچ و مهره و بوب و فایلم در هواپیمایش می‌نشاند ورهائیش میکند . ابزار بی‌اراده‌ای که جهالتش توأم با ترس از رژیم ، علیرغم آنکه خود از خانواده ایست که با درد و رنج آشنا است ، او را به کشتار انقلابیون کشانده است . نمونه‌ای از فرازادی سقوط انسان ، قربانی ونیز عامل اجرای خیانت ارتجاع و امپریالیسم .

اشرفیان پس از سقوط هواپیمایش به انقلابیون التماس میکند که او را بجای قطعه قطعه کردن ، با تیر بکشند برای او که با سیستم سرکوب ایران آشنا بود و حرارت مشابهی را در جبهه مقابل با چشم دیده بود مسلم بود که اسیر را قطعه قطعه میکنند . او بخوبی

بقیه در صفحه ۲

پیام به سربازان و افسران ایرانی

پیام خلبان اسیر ستوان یکم علی محمد اشرفیان که توسط رادپو و صوت الثورة ، عمانی بخش گردید .
با گفته شده بود که انقلابیون جبهه خلق برای آزادی عمان کسانی جز شورش و وحشی نیستند و بدین ترتیب مغز ما را می‌انباشند .

میخواهم بر یک مساله تاکید کنم که مجبور به گفتن آن هستم ، اینکه باور ندارید ، همه ما علیرغم اراده‌مان خود را در اینجا یافتیم و در شرایطی مجبور بر آن هستیم . اینجا خلقی را میبینم که علیرغم فقر مادی وحشتناکش ، از چیز بسیار باشکوهی که ما فاقد آن هستیم غنی است و آن ایمان و قناعت زیاد آنهاست . این خلق ، آنطور که من می‌بینم ، به عدالت میان تمام مردمش ایمان دارد ، و انسان هیچگونه تمایزی بین مردمش نمیبیند . آنها همیشه از عدالت و برادری سخن میگویند ، و بر خلاف آنچه که بعضیها میگویند و درباره این خلق اشاعه میدهند آنها وحشی و شورش نیستند . تنها آرزوی آنها ، بدست آوردن آزادی ، دارو ، مدرسه و ابتدائی‌ترین ضرورتهایی که هر انسان زنده‌ای که در این جهان زندگی میکند و به آن نیازمند است .

آنها میخواهند کشور خود را بدور از گردونه امپریالیسم بنا کنند ، و تنها آرزوی آنها کسب حقوق طبیعی‌شان است ، و اینجاست که برای کسب این آرزوها حاضرند بپروند و باین فداکاریشان در راه قناعت و مبارزه عادلانه‌شان افتخار می‌کنند .

بقیه در صفحه ۲

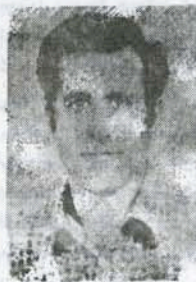
اخبار



رفیق شهید جهانبخش پایداری

● قهرمانان خود پایان میدهند . درود بر او و سایر رزمندگان خلق .

● در تاریخ ۱۷ مردادماه رفیق فدائی جهانبخش پایداری که با موتور سیکلت برای انجام ماموریتی به یکی از بقیه در صفحه ۴



رفیق شهید عبدالله سعیدی

● در اواسط تیرماه فدائی عبد الله سعیدی که عازم بندرگز بود بملت دیده‌شدن سلاح کمربندش توسط یک مامور دولتی مورد تعقیب و حمله غافلگیرانه قرار می‌گیرد . رفیق که امکان اسلحه کشیدن را نداشت ، برای اینکه زنده بدست دشمن اسیر نگردد با خوررت کچپول سیاتور به زندگی

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپریسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه شکست‌های

میدانست که رژیم ددمش ایران و عمان با اسرا چه کرده‌اند و خود انتظار همان سرنوشت را داشت. و هنگامی که انقلابیون بر پای مجروح او مرم می‌گذاشتند متحیر بود که چرا قبل از اعدام، زخمش را معالجه نمیکنند. هر لحظه انتظار شکنجه و مرگ را داشت و تا هنگامی که پیرزنی قوت از غاری بیرون آمد و به لجه‌ای که برای او مفهوم نبود سعی در دلداری او میکرد همچنان بر خود مبارزید. پیرزن، این انسان شریف، این انسان درد کشیده‌ای که معنای درد را میدانست هنگامی که متوجه شد که اسیر زانوش را نمی‌فهمد و آرام نمیشود، به پیش آمد و پشانی او را بوسید. میدانست که معنای بوسه را خواهد فهمید. میدانست که همه میدانند که جلدان کسی را نمی‌پسند میدانست که آرامش خواهد کرد. او خود بایی آرامی و درد انسانها همان قدر آشنا بود که اسیر او با خشونت و درد آفریدن. پیرزن غارنشین از درد نفرت داشت. و نه تنها از درد خودش، بلکه از درد هر انسانی. و اگر این نفرت در او وجود نداشت، اگر نفرت او از ظلم او را از ظالمان متغیر نمیکرد چه نیرویی قادر بود او را در مقابل بیب و آتش دشمن مقاومت وادارد؟ چه نیرویی بجز عشقی بزرگ به آزادی که هزاد این نفرت عمیق به اسارت است قادر میبود چنین پرهزن قوتی را در مقابل امپریالیسم ددمش بایستاند؟ ما بقیه این جریان را از زبان خود خلبان اسیر خواهیم آورد. سخنرانی او در مقابل مردم، پیام او به سربازان و درجه‌داران ایرانی، مصاحبه او و اعترافات او بازگوکننده بسیاری از مسائل اند و انقلابیون ایران و عمان به همه آنها توجه خواهند کرد.

بهرحال چند ماه گذشته پایان دوران سیادت بی‌تازع ایران بر آسمانهای عمان را ثابت کرد. از این پس رژیم ایران یا مجبور است که جنگ را تشدید کند که این بدلت نزاع‌های درونی امپریالیسم و ارتجاع چندان مقدر نیست و بر فرض وقوع، مبارزه خلق را بوزارت خود و حتی پیش از آن تشدید خواهد کرد، و یا سر در لاک خود فرو برده، به شکست اعتراف کند و آخر الامر مانند ارتش مللک حسین متفحصانه از عمان خارج شود. این عاقبتی است که هر رو مسلماً در مقابل ارتش شاه قرار دارد ولی باز این نیز مسلم است که ارتجاع کوتاه‌بین و کور است. مدتها طول خواهد کشید تا شاه سرنوشت خود را بروشنی ببیند. ارتش او نیز مانند ارتش امریکا در ویتنام مدتها تحت تهرات خام بسر خواهد برد. کسی که با خلق نیست نمیتواند بفهمد که معنای اراده خلق چیست. نمیتواند بفهمد که قدرت همین پیرزن قوت ققدر عظیم است. و بنابراین شاه چانه خواهد زد، تغییر تاکتیک خواهد داد، تقلا خواهد کرد، چشم‌های خود را بروی واقعیات خواهد بست، ولی قادر نخواهد بود که از این بنیست بدر آید. او در مقابل چنان دو راهی قرار دارد که یک راهش به فرار متفحصانه میرسد و یک راهش به ماندن و شکست خوردن. اگر ارتش او در سال گذشته قریب هزار کشته و هزاران مجروح داد، امسال او باید خود را نه تنها برای تلفات بیشتر آماده کند بلکه باید آن فانتوم‌هایی را که او آنقدر دردیوزگی عشقش را کرد فدا نماید. اگر درد هزاران انسان کشته و مجروح را حس نمیکرد، درد فانتومها و هلیکوپترها را نمیتواند حس نکند. احساسی که بالاخره سرنوشتش را به او نشان خواهد داد، یا مرگ یا فرار او چه سرنوشت شایسته‌ای.

برای ایرانیان آزادیخواه برخورد به مسئله تجاوز ارتش ایران به عمان از دو نظر اهمیت حیاتی دارد. هم از این جهت که این تجاوزی است نسبت به خلقی که در صدد رهایی خود است و بنابراین بنسوان انسان موظف هستیم که از خلق تحت تجاوز و ستم در عمان و در همه نقاط جهان دفاع کنیم و هم از این جهت که رژیم ایران با بکار بردن زور و ایجاد هراس و با

بقیه اعلامیه بحرین

ظاهر فریب دموکراسی را نیز بدور می‌افکنند مخالفت کردند. این مخالفت وسیع و گسترده مردم - درون و بیرون مجلس - منجر به کشف ماهیت طبقاتی رژیم که نماینده بازرگانان و زمینداران عمده و سران قبیله‌ای است گشت، قشری که تنها دربرگیرنده اقلیت ناچیزی از کل ملت است. این قشر اقلیت با عناد و لجاجت خاصی در جلسات اخیر مجلس شرکت نجست ولی این از ادامه مبارزه مردم نکاست بلکه مردم با تشکیل انجمنها و اجتماعات گوناگونی در این دو ماهه اخیر بر شدت مخالفت خود افزودند و این امر در زندانهای رژیم را بر روئی آنها گشود.

.....

توطئه‌ای که اکنون بدست نظام خلیفه بن سلمان

استفاده از جهالت و نا آگاهی عده‌ای از مردم، عده کثیری از هوطنان ما را به کشتن میدهد. هنگامی که در دسامبر گذشته بیش از پانصد جنازه سرباز ایرانی در کوهستانهای ظفار زیر آفتاب افتاده بود، هنگامی که حیوانات وحشی به سربازان مجروحی که افسران فراری آنها رهایشان کرده بودند حمله میکردند تراژی در ابراز کامل خود بود و این نه تنها برای ایرانیان وطن پرست حس مین پرستی، بلکه برای انقلابیون عمان نیز که علیرغم احساس خود مجبور به کشتن آنها بودند بود. یک انقلابی عمانی هنگامی که از محتوای نامه‌ای که یک سرباز ایرانی برای پدر بزرگ خود نوشته بود و در جیبش مانده و گلوله‌ای آنها به خوش آغشته کرده بود مطلع شد چنان متقلب گردید که با مشت‌های گره کرده فریاد میزد مرگ بر امپریالیسم. او میدانست که این سرباز بی‌نوا چگونه به عمان آورده شده است، چرا در مقابل او اسلحه بدست گرفته است و چگونه باید کشته شود و جنازه‌اش را حیوانات بدرند. احساس همبستگی طبقاتی، همبستگی انسانی، همدردی احساس آشنائی بود ولی او باز هم میدانست که هنگامی که هم طبقه او علیرغم طبقه اش، علیرغم خودش، از روی جهالت و اجبار بصورت ابزار ارتجاع درمی‌آید و چاره‌ای جز کشتن او نیست. مسبب قتل هم آن سرباز و هم آن انقلابی، جز امپریالیست نیست و براستی مرگ بر امپریالیسم.

و همین جهات هم وظیفه انقلابی و انتقاسیوالیستی ما و هم وظیفه مین‌پرستی ما حکم میکند که صمیمانه‌ترین، بی‌خدش‌ترین و گسترده‌ترین همکاری خود را در حد امکانات - ولو محدود، ولو مختصر - با خلق عمان بکنیم. کمک به خلق عمان یعنی کمک به شکست امپریالیسم، یعنی کمک به شکست ارتش شاه، تشدید تضادهای جامعه ایران، کمک به تسریع پروسه انقلاب و کمک به رهایی خلق، کمک به از بین بردن جهالت و زور، کمک به عو استار در ایران و عمان و همه جا. ابا کردن از کمک به خلق های تحت ستم بخاطر بدگیزیدن در ملاحظات تعصب آمیز و انحرافی همیشه بد است، ولی در قبال خلق عمان، بخاطر معنا و اهمیت آن و بخاطر مسائلی که برشیردم از بسد بدتر است، کمک مضاعف به دشمن است و این یعنی جنایت مضاعف. این یعنی اجازه دادن به مباران بیشتر، به کشته شدن آن پیرزان قوت، به کشتار آن انقلابیون مشت بهم فشرده، به ادامه اعزام دهقان‌زادگان ایرانی به عمان و رها شدن بدن نیمه جان آنها در زیر آفتاب سوزان.

اگر پیام خلبان ایرانی اسیر به سربازان و افسران ایرانی اینست که از جنگیدن امتناع کنند، پیام انقلابیون عمانی به خلق ایران اینست که از آنان حمایت نمایند و نه تنها به سخن، با حرف نمیشود به جنگ دشمن رفت، و زور را جز با زور نمیتوان پاسخ داد. بکوشیم تا شایسته پذیراشدن این پیام شویم!

صورت میگیرد جزئی از طرح خیانت آمیزی است که دستگاههای امپریالیستی بصورت پرورش و اشغال نیروهای نظامی ایرانی و اردنی و دیگر مزدوران بر ضد انقلاب و خلق عمان بوده اجرا می‌گذارند و هانگونه که نیروهای ارتجاعی برای خاموش کردن تفنگهای عمانی توطئه می‌چینند در همان زمان نیز نیروهای ارتجاعی با همکاری امپریالیسم امریکا با طرحهای مسالمت‌آمیزی برای کشتار خلق و انقلاب فلسطین و یاری به صهیونیسم به توطئه‌های خود ادامه میدهند.

سرنگون باد قانون امنیت دولت و نظام فاشیستی خلیفه آزادی برای زندانیان سیاسی در زندانهای هندرسون جایز باد خلق مبارز جبهه خلق بحرین

بقیه پیام

از من برسیده میشد که با اسیران جنگی چگونه رفتاری میکنند؟ ... با انسانیت یا با وحشیگری؟ ... آنها همیشه این را در گوش من تکرار می‌کردند که بیشک به کشورم باز خواهم گشت، و انقلابیون حتی پیش از من نگران بچه‌هایم بودند و فمیدم که این با هدفهای انقلابشان پیوند دارد، خانواده بر اساس تقام، برادری، عدالت و خلاصه اینکه آنها خواهان زندگی عادلانه و آزاد برای فقرا و آزادی برای خلقشان هستند.

دوستان

آن روز خواهد رسید، هانگونه که انقلابیون وعده‌اش را دادند و آرزومندم که خواسته‌های این خلق را بیش از هر وقت دیگری درک کنید و به آرمانهایش احترام بگذارید، آرمانهایی که زیاد با آرمانهایمان اختلاف ندارند، و آخرین آرزوم اینک جنگ و خونریزی میان برادران پایان پذیرد و هر کدام از ما راهی خانواده و خلق و بچه‌های خود گردد و آرمانهای شریف این خلق قهرمان تحقق پذیرد.

بقیه قسمت‌هایی

رفقا و هموطنان عزیز

هنگامیکه شاه مزدور ایران نیروهای غارتگر خود را به عمان فرستاد هدفش از این کار از یکسو خدمت به سیاست اربابان امپریالیست خود و حمایت از منافع آنان بود و از سوی دیگر این هدف را داشت که دیدگاه خلق انقلابی ایران را متوجه خارج کند و از وضع داخل منصرف نماید. سرکوبی و ستم و خفقان و حشایشانه‌ترین جنایات دستگاه پلیسی و امنیتی علیه خلق ایران و نیروهای انقلابی مبارز آن، گرسنگی و فقر را از دیده‌ها بپوشاند.

رفقا و هموطنان عزیز

حقیقت این نکته را تأکید میکند و در آینده نیز بیشتر تأکید خواهد کرد که نیروهای اشغالگر شاه از ضربه‌های نیروهای ما و مقاومت شکست ناپذیر خلق مبارز ما هرگز در امان نخواهند بود. حقیقت این را تأکید میکند و در آینده نیز بیشتر تأکید خواهد کرد که رژیم مزدور تهران هرگز از خشم خلق ایران و انقلاب مسلماً پیروز آن که پایان سریمی را بر این عهد خونین ترسیم میکند هرگز رها نمیشود.

رفقا و هموطنان

اکنون خلبان ایرانی که بدست نیروهای ما پس از سرنگون کردن هواپیمایش، که از جله هواپیمائی است که در دگریزی اشیر در منطقه غربی سرنگون شده اسیر گشته است برای شا سخن میگوید. با این خلبان یتیمه یک اسیر جنگی و بر طبق موازین جبهه خلق برای آزادی عمان مجبوری رفتار شده است.

پیروزی با مبارزه خلق های عمان و ایران و همه خلق های مبارز است. نابود بساد رژیم قساوس مزدور و شاه سرسپرده و امپریالیست‌ها و جیره‌خوارانشان در همه جا. نماینده کمیته اجرایی محلی.

بقیه اخبار

این درگیری ۱۶ نفر از مامورین پلیس کشته و زخمی شدند ، و ۴ تن از رفقا باسایم رفیق محمود عظیمی بلوریان از دانشگاه صنعتی آرپامهر ، رفیق کارگر بداله زارع ، رفیق مارتیک قازاریان و رفیق زهت روسی آهنگران که مسئولیت يك دسته تبلیغ مسلحانه سازمان را بر عهده داشت ، شهید گردیدند . در این درگیری رفیق اعظم روسی آهنگران خواهر رفیق زهت دستگیر گردید .

● در تاریخ ۳۱ مردادماه جاری در جریان تعقیب و درگیری ای که بین ۴ تن از رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق و مامورین دشمن در مشهد در گرفت چند تن از مامورین کشته و مجروح گردیدند و دو تن از رفقا نیز شهادت رسیدند ، ولی دو رفیق دیگر موفق شدند از محاصره خارج شده و سالم به پایگاه برگردند. اخیرا بعلاوه درگیریهای مسلحانه متعددی که در مشهد روی داده است ، این شهر کاملا پلیسی شده و نیروهای فوق العاده از مرکز به آنجا اعزام شده اند .

● در نتیجه درگیریهای که بین پلیسی و انقلابیون پیش آمد ۲ مجاهد بنامهای علی اصغر دوسر و سید کاظم مدنی شهید شدند و عدهای از مجاهدین نیز باسایم عبدالله امینی ، بتسول فقیه دزفولی ، وحید افراخته ، حسن خاموشی ، مهدی غبوران ، منیژه اشرفزاده کرمانی ، و نیز عدهای از کسانی که در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق بوده اند طی جریانات مختلف دستگیر شده اند .

● چندی قبل یکی از تمهای سازمان چریکهای فدائی خلق که وظیفه پخش اعلامیه با دستگاه اعلامیه پخش کن را داشت در حین انجام ماموریت با ساواک مواجه گشتند . رفقا پس از يك جنگ و گریز موفق می شوند فرار کرده و سالم به پایگاه باز گردند .

● بابل - امسال مردم مبارز بابل ضمن افزایش چهره دکتر حسن شفیقزاده (متین) نماینده سه دوره مجلس شورای ملی در سالهای قبل از دادن رای به او برای عضویت مجددش در مجلس شورای ملی امتناع کردند . دکتر حسن شفیقزاده (متین) یکی از مالکان بزرگ بابل بشمار می آید که بعلاوه نفوذ خویش در دستگاههای دولتی زمینهای کشاورزان (امیر که بندی) (یکی از توابع بابل) محمود آباد ، احمدکلا (از توابع بابلسر) و چند نقطه دیگر را تصاحب کرده است . امسال نه تنها مردم بابل هنگام سخنرانی او را به مسخره گرفتند بلکه او هر کدام از روستاهای اطراف برای جمع آوری رای میرفت از طرف روستائیان با چوب و سنگ مورد استقبال قرار گرفت و باین ترتیب با وجودی که نامش قبلا در لیست انتخاب شدگان بود ، انتخاب نشد .

● قزوین - عدهای افراد ناشاخته دو عدد ماشین پلیسی یکی از دبیرستانهای بزرگ قزوین را در يك شب تصاحب کرده و با خود برده اند . تصاحب کنندگان ضمن اقدام بر اینکار تمام عسکهای شاه خائن را از دیوارهای اطاق مربوطه پائین کشیده و پاره کرده اند و خود روی دیوارها شماره های سیاسی نوشته اند . پلیس دو روز بعد تصادفی از دانش آموزان این دبیرستان را دستگیر می نماید ولی موفق به کشف هیچگونه ردیایی نمیکرد .

● در بخش آستانه که نزدیک لاهیجان از مسیر دشت قرار دارد و راه لاهیجان - سیاهکل از کنار آن میگردد ، مدت دو سال است که بخاطر کنترل بیشتر منطقه ، شهرآبانی به ژاندارمری تبدیل شده است . مردم که این تبدیل را فشار بیشتر بنجد دانسته و از کنترل کلیه امور توسط ژاندارمها سخت ناراحت و خشمگین بودند ، هر زمان با انفجار پایگاه گروهان ژاندارمری لاهیجان که توسط چریکهای فدائی خلق انجام گرفت ، با چوب و سنگ به ژاندارمری آستانه حمله میبردند ، بدنبال این جریان آستانه نیز حالت حکومت نظامی بنجد گرفته است .

بقیه سخنرانی

عوضی که مرا بکشند بمن محبت کردند مرا توی غار که آوردند دیدم واقعا آنها نسبت بهم چه صفا و صمیمت و محبتی دارند تقریبا پنج روز طول کشید که مرا از داخل جنگل باینجا آوردند . آنها حتی برای راحتی من تنها وسیلهای که در آنجا بود یعنی يك الاغ آوردند که من راحت باشم . خودشان شبها بدون پتو میخوابیدند و تنها پتو را بمن میدادند . من رویش میخوابیدم و خودشان روی زمین میخوابیدند واقعا من تحت تاثیر این کارها قرار گرفتم .

در داخل جنگل با اینکه گلوله توپهای صرفیت اینجا میآمد ، چون انگلیسها از صرفیت بیزاران میکردند ، ولی اینها اول مرا زیر سنگ قایم میکردند و بعد خودشان میآمدند قایم میشدند . و باین ترتیب بود که به اینجا رسیدم . خیلی عذر میخوامم یادم رفت پتوون بگم در جنگل يك پیروزی با اینکه فکر میکردم یکی از بستگانم مرده بود مرا بغل کرد و بوسید . من واقعا از این پیر زن خجالت میکشم که چرا آمدم اینجا . کی را بکشیم ؟ این زن را ؟

تا بالاخره بان جا رسیدم . در وهله اول دکتر آمد اینجا پایم را پانسان کرد . این مردمی که دور بر من بودند و الان هم هستند يك آن از مراقبتم غفلت نمیکند . هرچه میخوامم در آن واحد برام میآورند . خودشان غذای بد میخورند و بهترین غذا را بمن میدهند . این کار واقعا شایسته يك انسان است ، من خودم را شایسته این همه محبت شما نمیدانم .

چیزی که مرا تحت تاثیر قرار داد این یکسان بودن ● در لنگرودر سما حکومت نظامی برقرار شده است . بعد از ساعت ۸ بعد از ظهر هر جوانی که بیرون از منزل باشد دستگیر میشود . مغازهها نیز حدود ساعت ۷/۵ تعطیل میشوند در شهر شعار نویسی بطور مرتب ادامه دارد و با آنکه هر روز شمارها را از روی دیوارها پاک میکنند ولی روز بعد مردم شماره های جدیدی میپایشان مینویسند . در رابطه با شمارنویسی تا کتون قریب به ۱۲ نفر دستگیر شده اند که احتیالا آنان را به تهران اعزام داشته اند ، از دستگیرشدگان ۲ نفر مشهدی و يك نفر خوزستانی اند که به عنوان دبیر دبیرستان (افسر وظیفه) خدمت میکردند و بقیه محلی هستند ، برای برقراری حکومت نظامی در این شهر از جاهای دیگر سرباز به لنگرود آورده اند . سربازان همچنین در چند نقطه از سه راه لاهیجان - لنگرود چادر زده اند و رفت و آمدها را کنترل میکنند و در ظاهر میگویند استقرار این سربازان در این محل برای جلوگیری از ورود دامها به جادهها می باشد !

● بعد از شهادت رفیق جهانبخش پایداری رفقای هم تیم او طبق فراسازمانی اقدام به تخلیه پایگاه می کنند ولی این رفقا هنگام عبور از خیابان که دو چمدان با خود حمل میکردند ، مورد سوهن پلیس واقع می شوند ، و در نتیجه درگیری با پلیس صورت میگردد . در این درگیری رفقا پس از کشتن ۲ پلیس و مصادره ۲ سلاح اسپرینگفیلد از آنها سالم به پایگاه جدید میروند .

● در اوائل تیر ماه سال جاری دانشجویان سال اول دانشگاه تهران که ساکن خوابگاه هستند طبقه سوم خوابگاه راه آتش کشیدند . از چندی قبل دانشگاه به آنها اعلام کرده بود که باید خوابگاه را ترک گویند ولی دانشجویان اخطار کرده بودند تا زمانی که مابقی کمک هزینه تحصیل را که از دانشگاه طلبکار بودند ، دریافت نکنند خوابگاه را ترک نخواهند کرد . همین بخاطر از چندی قبل عدهای از افراد گارد برای جلوگیری از اقدامات احتمالی دانشجویان به خوابگاه فرستاده شده بودند ولی دانشجویان با استفاده از يك فرصت مناسب طبقه سوم خوابگاه را به آتش کشیده و فرار میکنند .

● من مثل شما که اغلب بچه دارید ، دو بچه دارم . يك پسر و يك دختر ، آنها کوچکنند ، ولی دم میخواید يك زمانی اینها مثل شما ایمان داشته باشند . شما همه ایمان دارید و بخاطر ایمانتان جنگ میکنید ولی ما بخاطر هیچ . از اینکه الان میفهمم که واقعا شما بخاطر ایمانتان جنگ میکنید بشما احترام میگذارم و بخاطر محبتهایی که بمن کردید و میکنید من هر گنکی از دستم برآید به شما میگویم .

● من نمیدانم دولت ما و دولت عمان بچه جهت ما را باینجا فرستاده اند اصولا از ما چی میخواهند . با گفته اند که اینها يك عده شورشی اند . دم میخواست تمام ایرانیان اینجا باشند و ببینند که این مردم فقیر شورشی نیستند بخاطر بچههاشون بخاطر آزادیشون بخاطر زندگیشون دعا میکنند .

● امروز از رفقای شما شنیدم که سه تا از رفقاییکه مرا به اینجا آوردند و ببنهایت بمن محبت کردند شهید شده اند . من از این بابت واقعا متاسم . آنها بخاطر آزادیشون مردند . و این را میدانم که این رفقای شما هستند که بسیاری از عزیزانتان را از دست داده اید . ولی چون من یکی از آن آدمهایی هستم که باین جا آمدم و جان عزیزان شما را گرفتم ، بشاطر محبتهای شما ، بخاطر انسانیت هائی که نسبت بمن کردید خونم را حلال میدانم .

● چیزی را فراموش کردم که بشما بگویم . این کلاه که میبندید و این لباسی که میبندید و این لباسی که میبندید این هواپیمائی که میبندید شکست ناپذیر نیستند . این کلاه فقط برای صحبت کردن با پایگاه است و بس ، حفاظ دفاعی ندارد . این هواپیمایا هلیکوپتر را هم که میبندید آسیب پذیر است . خیال نکنید که فنا ناپذیر است . از اینها وحشت نداشته باشید .

● در ضمن این را هم بدانند که من از کینه شخصی حتی يك تیر بطرف شما شلیک نکردم این افتخار بزرگی برای من است .

● در خاتمه عرایضم آرزو میکنم که در اهدافی که دارید موفق باشید .

با ختر امروز

BAKHAR EMROOZ Sept. Oct No 68 1975 Vol. IV

قسمتهائی از متن سخنرانی نماینده جبهه

آزادیبخش عمان در مجمع خلق

رفقای عزیز و هموطنان گرامی

ما امروز در این میدان با یکدیگر ملاقات میکنیم تا شما از نزدیک شاهد جدیدی از پیروزیهای پیاپی نیروهای جاودان انقلاب ۹ ژوئن - علیه استعمار و چپاول و مزدوری و سلاحهای منهدم کننده مختلفی که علیه خلق خواستار آزادی و استقلال ما بکار میروند - را مشاهده کنید.

استعمار انگلیس و نیروهای غارتگر شاه ایران و همراه با آنان جیره خواران مزدور قابوس و حسین با استفاده از کیفیت ترین وسائل ضد بشری و با کشتن ترین سلاحها، حملات نظامی وحشیانه را یکی پس از دیگری بر خلق کوچک ما وارد میکنند و سعی می نمایند که آنرا تحت فشار وادار به پذیرفتن اشغال و غارت و از بین بردن اراده انقلاب و آزادی خواهی کنند. ولی خلق ما و انقلاب ما همواره ثابت کرده است که بزرگتر از این تلاشهاست و اراده و تصمیم برای کسب پیروزی - علیرغم همه هواپهاها و نارها و توپها و نیروهای امرینی شکست ناپذیر است.

بقیه در صفحه ۴

در باره حوادث اخیر بحرین

کمونیستی عرب همکاری داشته اند.

رژیم بحرین که از همان لحظات اول استقلال با بوق و کرنا وعده آزادی و عدالت اجتماعی و دموکراسی را برده میداد در واقع مجلس ملی بحرین را وسیلهای برای فریب و سرکوب جنبش ملی میباشند و از رهبران جنبش چنین میخواست که فعالیت سیاسی خود را تنها در رواق مجلس انجام دهند نه آنکه وسیلهای برای بالابردن آگاهی سیاسی مردم شوند، ولی نیروهای انقلابی که حقیقت این دموکراسی دروغین را می دانستند چهره واقفیش را در برابر خلق عریان ساختند و از مردم خواستند که به وعده و وعیدهای وهمی مجلس - با وجود بودن چند نماینده ملی در آن - وقعی نگذاشته و مبارزه خود در صف یگانهای علیه رژیم حاکم و دستگاه قلع و قمع پلیس اش که بوسیله افسران انگلیسی اداره می شود ادامه دهند. وهنگامی که رژیم به گسترش جنبش و بالارفتن آگاهی سیاسی مردم پی برد قانون امنیت دولت و قانون کیفری خاصی برای ارباب عناصر ملی و از بین بردن جنبش وضع نمود ولی مردم برای ابراز مخالفت خود با این قوانین نجیبانها ریختند. در این تظاهرات بیش از هجده هزار نفر شرکت کردند.

رژیم بر بدی که وضع این قوانین نه تنها باعث ترس و وحشت مردم نگشت بلکه باعث همبستگی بیشتر آنها شد بطوریکه مخالفت نیروهای ملی با این قانون حتی تا رواق مجلس نیز کشیده شد و همه نمایندگان با گرایشهای مختلف سیاسی علیه این قانون فاشیستی که حتی شکل

بقیه در صفحه ۲

بس از موج همبستگی که اخیرا در بحرین صورت گرفت و تعداد زیادی از عناصر انقلابی و ملی را روانه زندان نمود، رژیم دست نشانده بحرین علت این دستگیری را بیشگیری از يك توطنه کونیستی قلمداد کرد و بازداشت شدگان را به جرم همکاری با سازمان کونیستی عرب متهم نمود.

ما ضمن ابراز همبستگی با خلق مبارز بحرین قسمتهائی از اعلامیه جبهه خلق بحرین را که بیانگر واقعهائی این بازداشتهاست در زیر نقل می کنیم:

رژیم مزدور و دست نشانده بحرین بالاخره پس از آنچه شمارها و بوق و کرناهای مزورانه ای که در جشن افتتاح مجلس ایراد شد در شب بیست و سوم ماه اوت جاری ماسک پلید و ارتجاعی را از دست داد و چهره ضد خلقیش را که نایشگر سپای امپریالیسم و پیمانهای استعماری امنیت خلیج!! در کشور بحرین است آشکار کرد. نیمه های شب رژیم به نیروهای پلیس و امنیت خود آماده باش کامل داد و آنها را برای شکار عناصر ملی بحرین بسیج نمود و چنان فضای پلیسی و رعب انگیزی در کشور بوجود آورد که گویا برای مواجهه با کودتائی بسیج شده است، و در پی آن به نایش مسخره انگیزی استغفای دولت و تشکیل مجدد آن پس از شش ساعت برای انحلال مجلس ملی دست زد. رژیم برای ایجاد رعب و وحشت بیشتر در کشور اعلام نمود که از خانه های عناصر دستگیر شده مقادیر زیادی اسلحه بدست آورده است بدون آنکه از چگونگی آن خبری منتشر کند و نیز ادعا کرد که این افراد با سازمان

متن سخنرانی خلبان ایرانی در مقابل مجمع خلقی

سنش کم بود باو گفتم که برود و او رفت و چون پای من گلوله خورده بود ماندم. در ضمن اسلحه هم نداشتم که از خود دفاع کنم چون برای ما دو نفر يك اسلحه بود که من آنرا به رفیق دادم و خودم بی اسلحه نشستم در این موقع دیدم سه نفر از رفقای شما بطرف من می آیند. چون قبلا شنیده بودم که رفقای شما بعضی دیدن اسیر او را میکنند و من چون اسلحه نداشتم که از خود دفاع کنم خودم را برای مردن آماده کردم ولی برعکس تصور من رفقای شما بجای اینکه مرا اذیت کنند چون اسلحه نداشتم با کمال محبت مهربانی کردند، با اینکه طیاره های انگلیسی اطراف را بیابان میکردند، آنها کمکم کردند تا از زمین بلند شوم و مرا با خودشان به غار آوردند. و من چون از درد پام خیلی ناراحت بودم حتی خواهم کردم که آنها مرا بکشند. ولی اینها

بقیه در صفحه ۳

مطابق دستور فرمانده هوا نیروز در ایران به منطقه شما آمدیم کار شخصی من در وهله اول مبارزه با شما بود ولی ما ایرانیان اصولا بنفسه هیچوقت راضی نبودیم باین ماموریت بیائیم ولی چون سرایزم مجبوریم دستور را گوش کنیم.



بقیه اخبار

روستاهای مشهد رفته بود، مورد سوءظن قرار میگردد. در درگیری که بین رفیق و مزدوران دشمن انجام میگردد رفیق رئیس پاسگاه را مضروب ساخته و چون امکان فرار نداشته با نارنجک بزندگی انقلابیش پایان می بخشد.



رفیق شهید نزهت روحی آهنگران

● در تاریخ ۶ خرداد ۵۴ خانه تیمی يك واحد کارگری سازمان چریکهای فدائی خلق واقع در محله کارگر نشین جهان چیت کسرج بملت نامعلومی از طرف پلیس کشف و مورد محاصره قرار گرفت. رفقای تم دست يك مقاومت مسلحانه زدند و درگیری شدیدی بین رفقا و نیروهای دشمن روی داد که ۴ ساعت بطول انجامید. شدت این درگیری بمحدی بود که دشمن برای اولین بار در تاریخ جنگ چریک شهری در ایران جهت درهم شکستن مقاومت رفقا و کشتن آنها علاوه بر بکار بردن تمامی تجهیزات ضد چریکی همیشگی خود، مجبور به استفاده از هلی کوپتر گردید و ۲ هلی کوپتر در این محاصره شرکت کردند. بنا به اطلاع کسب شده از شاهدین واقعه در

بقیه در صفحه ۳

ظفر مند باد مبارزه عادلانه خلق عمان

آدرس پستی

P.O. Box 5111 - Moalla, Aden
People's Democratic Republic of Yemen.

آدرس بانکی

National Bank of Yemen
P. D. R. Y., Aden, Steamer point
Account No. 59323

ما هیچ چیزی در باره شما نمیدانستیم فقط اینرا میدانستیم که با گفتند اینها يك مشت شورشی اند که کمونیست شده اند و میخوانند منطقه استان ظفار را مستقل کنند و زندگی کنند.

در یکی از این ماموریتها بود که من با هلیکوپتر برای سرابها آب میبردم و موقع برگشتن مورد اصابت گلوله رفقای شما قرار گرفتم.

وقتی که هلیکوپتر من سرنگون شد چون رفیق